

بررسی رابطه بین حضور در مسجد و اماکن مذهبی با نگرش مردم نسبت به ارزش‌های اخلاقی در قوم بختیاری (مطالعه موردی فارسان و کوه‌رنگ)

* ستار صادقی ده چشمه

چکیده

از جمله زمینه‌های شناخت جوامع دینی، و بیانگر هویت دینی، وجود نمادها و عناصر آشکار دینی در جامعه و اماکن است که معمولا نگاه هر تازه واردی را به خود جلب می‌کند. باورها و اعتقادات مذهبی، حضور در اماکن مذهبی (عبادت، مراسم و آیین‌ها، گردشگری مذهبی و...) یکی از منابع پاک برای تولید ارزش‌های اخلاقی در جامعه است. بختیاری‌ها، به لحاظ مذهبی، عموماً شیعه ۱۲ امامی بوده و در اماکن مقدس و مذهبی حضور پیدا می‌کنند. این مقاله به بررسی تاثیر حضور در مسجد و اماکن مذهبی و ارتباط آن با ارزش‌های اخلاقی بر نمونه‌ای از قوم بختیاری (فارسان و کوه‌رنگ) پرداخته است. روش انجام این تحقیق، اسنادی و تحلیل ثانوی بوده است. نتایج به طور کلی نشان داد که مسجد در طراحی‌های سکونتگاههای مسلمانان و مدل‌های زندگی در دوره اسلامی از اهمیت خاصی برخوردار شده است. دربخش پیمایشی نیز مشخص شد که ۳۰/۴ درصد در حد بسیار زیاد و ۳۰/۹ درصد از پاسخگویان، در حد زیاد به مسجد و اماکن مذهبی رفت و آمد دارند. حدود ۸/ درصد یعنی نزدیک به یک درصد آنان در حد بسیار زیاد و ۱۴/۷ در حد زیاد نسبت به مذاهب دیگر آشنایی داشته‌اند. بررسی‌های مربوط به نگرش آنان نشان داد که گرچه نگرش افراد نسبت به نمادهای مذهبی، تحت الشعاع دیگر عوامل اجتماعی و فرهنگی و سیاسی قرار می‌گیرد با اینحال میزان نگرش نسبت به مولفه‌های دینی و مذهبی، مثبت و بالاتر از میانگین بوده است، هرچه میزان دینداری افراد و حضور در مسجد و اماکن مذهبی بیشتر شده، نگرش آنان نسبت به ارزش‌های اخلاقی نیز بیشتر شده است.

لغات کلیدی: مسجد، نگرش، بختیاری، نمادهای دینی، مدل‌های مذهبی سکونتگاه.

مقدمه

ایل بختیاری به عنوان بزرگ‌ترین ایل کوچ‌نشین خاورمیانه شناخته شده است (ربانی، ۱۳۷۲). خاستگاه اصلی ایل بختیاری‌بخش‌هایی از استان خوزستان، چهارمحال و بختیاری و اصفهان است. خدمات و سوابق ایل بختیاری در دفاع از سرزمین و ارزش‌های ملی در جای‌جای تاریخ از تاریخ باستان تا فتح قندهار، دوران مشروطیت و دفاع مقدس ثبت است. شاید یکی از سوالاتی که برای خیلی از محققین مطرح شود، مذهب و دین بختیاری‌ها باشد. به لحاظ مذهبی، بختیاری‌ها عموماً شیعه دوازده‌امامی هستند و حضور و نقش امامان شیعه در تمام زوایای زندگی، باورها و اعتقادات آنان دیده می‌شود. بنابراین پایبندی به مذهب و شعائر دینی و ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی، روحیه نشاط، جنگاوری، قهرمانی، ک‌ار و تلاش، اسب سواری، آشنایی به محیط و آب و هوا، مهمان‌نوازی، بخشش، احترام به ایل و نشان‌های آن، احترام به بزرگان و ریش‌سفیدان و ارزش مادر و خانواده در بین بختیاری‌ها به وفور دیده می‌شود. شعر خوانی، شاهنامه خوانی، برگزاری سنگین مراسمات اجتماعی و مذهبی، نشست‌های فامیلی و پایبندی به آداب و رسوم در میان بختیاری‌ها بسیار قوی است. (صادقی، ۱۴۰۲). یکی از کارکردهای دین و برپایی آیین‌های مذهبی، اثری است که بر انسجام اجتماعی، تسکین قلبی و تداوم و حیات اجتماعی دارد. دین و باورهای مذهبی، منبعی مطمئن برای تولید ارزش‌های اخلاق است.

آنچه در تحلیل وضعیت اجتماعی برای جامعه شناسان، اندیشمندان و سیاست‌گزاران و حتی مدیران یک جامعه از اهمیت خاصی برخوردار است و همواره مورد توجه است، شکل‌گیری جامعه و تداوم آن است. به عبارتی، موضوع مهم، با هم زندگی کردن انسان‌ها، در یک مجموعه و فضای فرهنگی، اخلاقی و اجتماعی به صورت فردی و گروهی با اهداف و ویژگی‌های فرهنگی مشترک است به نحوی که یک سیستم شکل بگیرد و در آن سیستم یا نظام، افراد بتوانند، نهادها و گروه‌های خود را شکل داده و در

دستیابی به اهداف زندگی مشترکشان وسایل مورد نیاز را تدارک و تلاش نموده تا زندگی فردی و جمعیشان، در یک فضای انسانی تداوم یابد. بخش عمده فضای انسانی مورد اشاره، همان ارزش‌ها و نگرش‌های مشترک آنان است. این تصویر یک تصویر ساده از یک زندگی جمعی و اجتماعی است. سوای از تغییرات متعادل (پارسنز) و نوشونده‌ای که الزاما سیستم‌ها، تجربه می‌کنند، هرچه که این فضای اجتماعی را دچار اختلال نماید به عنوان یک مساله مطرح می‌شود. بنابراین، جامعه، بزرگترین شمار افراد انسانی است که برای تأمین نیازهای اجتماعیشان، در کنش متقابل‌اند و همگی در یک فضای مشترک فرهنگی به سر می‌برند.... این جامعه یک واحد جمعیتی یکپارچه در یک فضای جغرافیایی، متشکل از گروه‌های عمده و دارای فرهنگ و زبان و ارزش‌های مشترک است. (نیک‌گهر، ۱۴۰: ۱۳۷۱). در نظر دورکیم - جامعه‌شناس فرانسوی - جامعه یک کل پیوسته و تجزیه ناپذیر است. (نقیب‌زاده، ۱۵: ۱۳۹۸) جامعه افراد را در زمان و مکان دور هم جمع می‌کند، وسایل ارتباطی سیستماتیک و کامل در اختیارشان می‌گذارد، برایشان الگوهای مشترک و یک نظام قشربندی، پایگاه‌های اجتماعی و طبقات فراهم می‌کند (نیک‌گهر، همان: ۱۴۳). در تحلیل‌های جامعه‌شناختی، این مورد توجه بوده که جامعه بر اساس ارزش‌های مشترک انسجام می‌یابد به تعبیر دورکیم، فراوانی روابط متقابل الگودار، گواه بر درجه یکپارچگی، ارزشی گروه است. (کوزر، ۱۹۰: ۱۳۷۳). دورکیم اعتقادات مذهبی را بر یکپارچگی و انسجام موثر میدانند. لذا آنچه مهم است حفظ و تداوم حیات جامعه است که بخشی از این تداوم، با وجود ارزش‌های مشترک، اهداف مشترک، الگوها و نمادهای فرهنگی مشترک به همراه آنچه که کارکردگرایان در جامعه‌شناسی تحت عنوان ضرورت‌های کارکردی جامعه می‌نامند و همچنین عدم بی‌تفاوتی افراد (ریتزر، ۱۳۹: ۱۳۸۱) چیزی که زیمل از آن به بلازه یاد کرده (رک زیمل، ۱۳۷۲) تحقق می‌یابد. از این رو همبستگی و انسجام، ارزش‌ها و اهداف مشترک، نمادها و الگوهای مشترک و بطور کلی نظام فرهنگی مشترک به دلیل ماهیت هویت‌بخش و انسجام بخشی که در جامعه دارند از اهمیت خاصی برخوردار است.

یکی از این نمادهای مهم و بارز مشترک ارزش آفرین، هویت‌بخش و انسجام‌بخش در جامعه اسلامی، مسجد است که حتی از بدو تاسیس تمدن اسلامی (یعنی زمان پیامبر ص) مورد توجه بوده است. البته در شکل‌گیری اکثر تمدن‌ها، نمادها و اماکن مذهبی به انحاء مختلف مورد توجه بوده ولی در تمدن اسلامی جایگاه محوری یافته است. این مقاله سعی نموده با روش پیمایشی، ارتباط بین نقش محوری مسجد در ارزش آفرینی و حفظ و تداوم ارزش‌ها و نگرش‌های جامعه بر نمونه‌ای از بختیاری‌ها (فارسان و کوه‌رنگ) بپردازد. در واقع این سوال مطرح است که مسجد رفتن در نگرش مردم قوم بختیاری چگونه است و چه ارتباطی با ارزش‌های اجتماعی دارد؟

مبانی نظری

ارزش‌ها و نگرش‌ها

می‌توان گفت ارزش‌ها یکی از مولفه‌های مهم فرهنگ، در هر جامعه‌ای ریسمان‌های نگهدارنده و تداوم‌بخش جامعه‌اند، گرچه ممکن است ارزش‌ها تغییرکنند، یا بدون کارکرد باقی بمانند یا فراموش شوند، ولی همواره جامعه برخوردار از ارزش‌هاست و جامعه بدون ارزش، معنی پیدا نمی‌کند. ارزش‌ها جزء عناصر محوری فرهنگ، دیرتر در معرض تغییر قرار می‌گیرند، ولی وقتی تغییر کنند زمینه‌های دگرگونی جامعه و به تعبیر اینگلههارت "انقلاب آرام" (رفیع پور، ۱۵۹: ۱۳۷۶). در جامعه فراهم شده. ارزش‌های فرهنگی ۱ جزء اساسی هر فرهنگی هستند و بر سایر اجزای آن تأثیر می‌گذارند. به گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد که ارزش‌ها هسته مرکزی هر فرهنگ بوده و سایر اجزای آن ریشه در ارزش‌ها دارند. از دیدگاه جامعه‌شناختی، ارزش‌ها معیارهایی هستند که به کمک آن‌ها، گروه یا جامعه امکان می‌یابد تا اهمیت اشخاص، الگوهای رفتاری، اهداف و دیگر اعیان اجتماعی - فرهنگی را ارزیابی کند. ارزش‌ها شیوه‌ای از بودن یا عمل هستند که شخص یا گروه، آن را به مثابه آرمان می‌شناسند و افراد یا رفتارهایی را که

¹ . cultural values

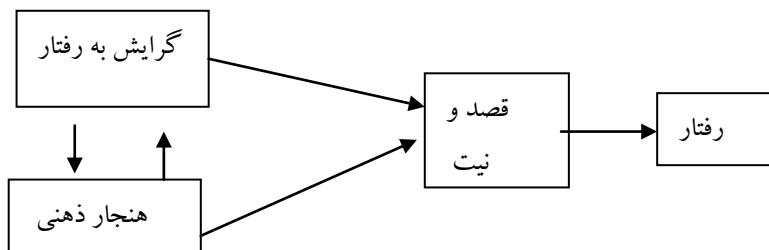
بدان نسبت داده می‌شوند، مطلوب و مشخص می‌کند هر فردی از طریق فرهنگش، می‌آموزد که چه چیزی خوب و حقیقی و زیباست. نگرش‌ها، ارزش‌ها و هدف‌ها، بوسیله فرهنگ مشخص می‌شوند. همانگونه که فرد به طور طبیعی، زبان یاد می‌گیرد و به همان ترتیب این نگرش‌ها، ارزش‌ها و اهداف را می‌آموزد. (محسنیان‌راد، ۱۳۷۵)

میان ارزش‌ها و کنش‌های متقابل، هدف‌های رفتاری، هنجارها، آرمان‌ها، معانی و سیستم‌های نهادی، ایدئولوژی، نقش‌های اجتماعی، روند جریان امور اجتماعی و... همبستگی وجود دارد. (نقل از حاجیلری، ۳۹: ۱۳۸۰) بنابراین ارزش‌ها، به تعبیر کلاکهن (کوهن، ۱۳۶۹) به عنوان مهمترین بعد معنوی فرهنگ، محدوده‌ای را برای کل نظام اجتماعی، فرهنگی، برقراری نظم، احترام و منافع گروه و زندگی اجتماعی، فراهم می‌کنند. یا به تعبیر آلن بیرو (۳۸۶: ۱۳۶۶) ارزش‌ها، مدل‌های کلی رفتار، احکام اجتماعی، هنجارهای کرداری که مورد پذیرش عمومی و خواست جامعه قرار گرفته‌اند را تشکیل می‌دهند. از اینرو، باید گفت ارزش‌ها، به تعبیر اسملسر، اهداف کلی مطلوب زندگی اجتماعی را مشخص می‌کنند (محسنی، ۱۳۹۷: ۵۹۷) در جامعه‌شناسی برحسب دیدگاه کارکردی، جامعه متشکل از افرادی است که برای ارضای نیازهایشان با هم روابط اجتماعی دارند (کنیگ، ۱۹۶۹: ۱۰۶) و بر حسب دیدگاه تضاد، انسانها و گروهها بر سر منافع خود با یکدیگر در تضادهای مختلف‌اند (رک رفیع پور، ۱۳۷۸: ۳۷). اما در واقع آنچه این مجموعه پیچیده و گاه متباین را انسجام می‌بخشد، اهداف، الگوها، نمادها، نگرش‌ها و ارزش‌های مشترک است که در نظام فرهنگی متبلور و در جامعه‌شناسی با نگرش سیستمی مطرح و مورد توجه قرار می‌گیرد. برای مثال علاقه اصلی دورکیم فرهنگ بود؛ مخصوصاً آن جنبه‌هایی از فرهنگ که خصیصه الزام‌آور دارند و سرپیچی از آن مجازات‌هایی به همراه دارد (تامپسن، ۱۳۸۸: ۱۱۳-۱۰۹). از نظر دورکیم، یکی از عناصر عمده تشکیل دهنده همبستگی عمل متقابل اعضای گروه با یکدیگر است، (کوزر، ۱۳۷۳: ۱۸۹) دورکیم علاقه داشت بداند، چه عناصری همبستگی اجتماعی را حفظ می‌کند؟ او سپس پی برد که توسعه همه‌جانبه بر

یکپارچگی بخش‌های گوناگون یک اجتماع اثر دارد. این یکپارچگی جز از راه اعتماد کردن و اهمیت دادن به ارزش‌ها به دست نمی‌آید (بارفیلد، ۱۹۶۶). در زمینه گرایش نیز تئوری فیش باین و آیزن، مشهورترین تئوری در زمینه گرایش است. «به نظر آنها رفتار^۱ در پی زنجیره‌ای از عوامل بوجود می‌آید. حلقه ماقبل بروز رفتار «قصد و نیت» به انجام یک رفتار است. بوجود آمدن قصد و نیت به نوبه خود تابع متغیر دیگر است:

۱- گرایش به سوی آن رفتار^۲

۲- هنجار ذهنی^۳ (آیزن، ۱۹۸۸: ۱۱۶) متغیر اول، یک متغیر فردی و شخصی است که طی آن فرد انجام یک رفتار یا پدیده را از نظر خودش ارزیابی می‌کند که آیا خوب است یا بد. متغیر دوم، منعکس کننده نفوذ و فشار اجتماعی است که شخص آنرا برای انجام یک کاری (رفتاری) احساس و ادراک می‌کند. میزان تاثیر هر یک از این دو متغیر (گرایش و هنجار ذهنی) در بوجود آمدن قصد و نیت همیشه یکسان نیست و بستگی به شخصیت فرد و شرایط اجتماعی دارد. لذا گاهی ممکن است تاثیر گرایش بیشتر باشد و گاه تاثیر هنجار ذهنی. « (نقل از رفیع پور، ۱۳۷۲: ۹).



شکل ۱- گرایش و رفتار از دید فیش باین و آیزن

^۱ - Behavior

^۲ - Attitude Toward The Behavior

^۳ - Subjective Norm

براین اساس می‌توان گفت: ذهنیت افراد در جامعه در ارتباط متقابل با گرایش آنهاست و هرچه این ذهنیت مثبت‌تر باشد، گرایش و در نتیجه میل به کنش در راستای آن بیشتر می‌شود و در این معادله، ارزش‌های مثبت، تقویت‌کننده کنش‌هاست. در خصوص مسجد به عنوان یک مکان و نماد مقدس مسلمانان، می‌توان گفت ذهنیت مثبت نسبت به آن، سبب تقویت گرایش به مسجد و متقابلاً، مسجد به دلیل مقدس بودن، به تقویت ارزش‌ها می‌انجامد.

مدل ابراهیم و مسجد بعنوان نماد شهر و تمدن اسلامی

در تمدن و جامعه اسلامی، مسجد، به عنوان یک مجموعه، از جنبه‌های مختلف کارکردی، مذهبی، مکان‌یابی، موقعیت در فضا(شهر یا روستا) نمادی و سمبلیک، و محلی بر تزکیه نفس و کنش متقابل مومنان مورد توجه و نقش‌های هویت‌بخش و انسجام‌بخش خود را نیز ایفا می‌کند. از این رو همواره از بدو تاسیس اسلام، ساخت مسجد به عنوان اولین اقدام تمدن ساز مورد توجه قرار گرفت و در دوره اسلامی شهرهای ایران، مسجد یک بعد اساسی بوده است، چندانکه در شهرهای دوره اسلامی، مسجد، در کنار بازار و ارگ و کهندژ، از مهمترین ابعاد طراحی شهرها و فضاهای سکونتگاهی جامعه ایران بوده است (رک اشرف، ۱۳۵۳). منبعی برای ارزش آفرینی و اعتماد آفرینی ساکنان و مهاجران تازه وارد نیز محسوب می‌گردد. از اینرو مسجد در این مدل به عنوان یک فضای مذهبی دارای اهمیت خاصی است. فضا را تولید اجتماعی تعریف می‌کنند که دارای حدود خاص خویش است. فضا یک منبع هویت است و گروه‌هایی را که در آن قرار می‌گیرند، هویت می‌بخشد(پلگرینو، ۱۹۸۳: ۲۱). شهر به عنوان یک فضا، یکی از پدیده‌هایی است که بستر فراهم آمدن و باهم بودن اسان‌ها را فراهم می‌کند(سارنر، ۱۹۸۶: ۱۳۳) و وسیله‌ای برای ارتقاء فرهنگی و اجتماعی آنان را فراهم می‌کند. (شوالیه، ۱۹۹۳: ۶۷). از آنجا که شهر مکان تراکم فرهنگی، تجمع انسانها و بسط روابط اجتماعی بوده، لذا از گذشته تاریخ تاکنون بیشتر بناها، آثار و مکانهای

عمومی نیز در شهر ساخته شده. از جمله: مکان‌های مذهبی، میدان‌های ورزشی و عمومی، کنیسه‌ها، عبادتگاه‌ها و... . فضا فرهنگ است و فرهنگ، فضا. این جمله اهمیت اساسی در تاریخ جوامع را بیان می‌کند. روابط تعاملی انسانها و فضاها از نسلی به نسل دیگر و در جریان توسعه جوامع، شکل می‌گیرد. این همان چیزی است که تحت عنوان روح فضا نامیده می‌شود. هر جامعه در صدد ایجاد فضای خاص خویش است و به دنبال این فضاهای خاص نیز زمینه‌های رشد و توسعه فرهنگ آن را فراهم می‌کند. (ارزن، ۵۹ نقل از ربانی، ۱۳۸۱: ۵۹) در این راستا یکی از مدل‌های طراحی شهری که به فضا و رابطه مذهب و سکونت پرداخته است، مدل ابراهیم است. او به دنبال آن است که عواملی را در این رابطه بیابد که با زمان و مکان، تغییر نکند و معتقد است که از طریق قرآن و حدیث، می‌توان این خلا را پر کرد. از اینرو در طراحی فضای زندگی اجتماعی انسانها یا در مدینه، معتقد است که در آن مردمان در عدالت و امنیت به سر برند، تابع ارزش‌های اسلامی باشند...، محلات و مکان‌های ایده‌آل مورد نظر او در جایی قرار دارد که مسجد در مرکز آن قرار دارد و... (رک ربانی، ۱۳۸۱: ۲۱). ملاحظه می‌شود که مسجد به عنوان یکی از محوری‌ترین نمادهای اسلامی در مرکز سکونتگاهها قرار گرفته تا بتواند نماد و نمایشگر یک سکونتگاه اسلامی باشد. این محوری بودن مسجد بخاطر نقش آفرینی مسجد در ایجاد و بسط ارزشهای دینی و انسانی نیز می‌باشد. هرچه افراد بیشتر با این مراکز دینی در ارتباط باشند، ارزشهای اخلاقی و دینی در جامعه تداوم بیشتری می‌یابند. بر اساس مدل ابراهیم، حضور و وجود مسجد و نمادهای مهم دینی در سکونتگاهها، نماد وجود ارزش‌های اسلامی است. در هر صورت برای هرتازه واردی به یک شهر یا سکونتگاهی، انتظار بر این است که بر اساس هویت، ارزش‌های اجتماعی و دینی آنان شکل گرفته و تازه وارد، متوجه بشود که وارد یک سکونتگاه اسلامی شده است. مسجد مهمترین نماد و مکان مقدسی است که بخش عمده‌ای از این انتظارات و کارکردها را برآورده می‌سازد.

مسجد و دیدگاه ابن خلدون

ابن خلدون در بحث مربوط به مساجد، در فصلی در خصوص مسجد و بیوت معظم جهان، از مساجد سه‌گانه مکه، مدینه و بیت المقدس نام برده و آنها را بهترین جایگاههای روی زمین برشمرده است. نظر ابن خلدون بر این مکانهای سه‌گانه مقدس، و نحوه شکل‌گیری، ساخت، تخریب و مرمت آنها در دوران‌های مختلف و حاکمان مختلف متمرکز است. جمع‌بندی نظرات او نشان می‌دهد که نگاه ابن خلدون به مساجد صرفاً مبتنی بر این سه مکان، و مقدس بودن و همچنین مکانی جهت عبادت و پرستش است.

"باید دانست که خدای سبحانه و تعالی نقاطی از زمین را گرامی شمرده و به عنایت خویش اختصاص فرموده و آنها را جایگاه پرستش خود قرار داده که در این جایگاهها، ثواب و اجر عبادت آدمی را دوچندان می‌کند و به زبان فرستادگان و پیامبران خود به ما خبر داده است تا از این راه بندگان خود را مشمول مهر و احسان خویش سازد و طرق سعادت ایشان را آسان فرماید و چنانکه میدانیم و در صحیحین نیز آمده است، بهترین جایگاههای روی زمین مساجد سه‌گانه مکه و مدینه و بیت المقدس‌اند و اما بیت الحرام که در مکه می‌باشد، همان بیت ابراهیم ص است که خداوند ویرا به ساختن آن امر فرمود تا به مردم اعلام کند تا در آن حج گزارند...."

(ابن خلدون، ۱۳۷۵: ۶۹۸).

البته در پایان ابن خلدون اعلام میدارد که از زمان خود بجز سه مسجد فوق و مسجد حضرت آدم ع در هند، از مساجد دیگر، اخبار قابل اعتمادی ندارد و معتقد است که ملت‌های باستان بر حسب دیانت‌های خود دارای مساجد بوده‌اند. در همین قسمت از آتشکده‌های ایرانیان و معابد یونان نام برده که پیامبر اسلام ص در غزوات خود دستور تخریب آنها را صادر کرد.

چارچوب نظری

این نوشتار در صدد بوده تا این موضوع را در میان نمونه‌ای از قوم بختیاری بررسی نماید. قومی که تماماً شیعه و حضور بالایی در اماکن مذهبی، امامزاده‌ها دارند. (البته باورهای مذهبی در عصر جدید در مواجهه با تجدد استحکام‌قبلی و پابندی قبلی را ندارد که جای مطالعه دارد) در ادامه در صدد آن بوده که با استفاده از نظریه کارکردگرایان و کارکردگرایان ساختاری (دورکیم، پارسنز) در ابتدا بنیان‌های ضروری و کارکردی یک جامعه و حضور و نیاز به ارزش‌ها و تغییرات آن در جامعه را مطرح و بر اساس تئوری گرایش و نگرش (فیش باین و آیزن) و با تاکید بر نظریه تغییر ارزش‌ها و نگرش‌ها (اینگلهارت) این دیدگاه را مطرح نماید که مسجد در ایجاد، حفظ و تغییر متعادل ارزش‌های اسلامی و همچنین هویت بخشی و وحدت آفرینی نقش محوری داشته، سپس با تاکید بر برخی نظریه‌ها و مکتوبات متفکران مسلمان (ابن خلدون، مدل الیاس و شهرنشینی در کشورهای مسلمان)، نقش و جایگاه مسجد در فضاهای سکونتگاهی ایرانیان و کشورهای مسلمان و همچنین اهمیت آن در تمدن‌سازی اسلامی و طراحی‌های شهری پرداخته و مورد توجه قرار گرفت. در این‌بخش این ادعا مطرح می‌شود که مسجد نقش نمادین در معرفی، نمایاندن و هویت بخشی به شهر و سکونتگاه اسلامی را بر عهده داشته است. در مجموع در مبانی فکری و تئوریک، مربوط به ارزش‌ها بیان شد که ارزش‌ها مقوم و تداوم‌بخش جامعه‌اند هرچند تغییرات آنها بسیار کند صورت می‌پذیرد، وجود و تزریق ارزش‌ها برای جامعه ضروری است. ارزش‌ها با نگرش‌ها و ذهنیت افراد در ارتباط بوده و مبنای کنش یا رفتار آنها را تشکیل می‌دهد. از طرف دیگر، نگرش و ذهنیت مثبت نسبت به مسجد و اماکن مذهبی سبب گرایش و در نتیجه حضور بیشتر در مساجد می‌شود و این حضور به تقویت بیشتر ارزش‌ها می‌انجامد. بدین معنی که اماکن مقدس (مسجد) در ارزش آفرینی، حفظ و تداوم ارزش‌های مثبت در جامعه موثر است.

روش تحقیق، ابزار جمع‌آوری اطلاعات و شیوه تجزیه و تحلیل یافته‌ها

اطلاعات این پژوهش بصورت تحلیل ثانوی منتج از پژوهشی است که محقق در بخشی از آن به شیوه پیمایشی، نگرش مردم استان چهارمحال و بختیاری (با تاکید بر قوم بختیاری ساکن در شهرستان‌های فارسان و کوهرنگ) را در خصوص پایبندی به ارزشها و نگرش نسبت به آنها و اماکن مذهبی (مسجد) و رفت و آمد به این اماکن سنجیده بود. پایایی تمام شاخص‌های پرسشنامه‌ها از طریق آزمون کرونباخ انجام و بالای ۸۰/۸۰ بوده بنابراین اعتبار آن از طریق نظر خواهی از متخصصان، مورد تایید قرار گرفت.

نتایج توصیفی تحقیق

بر اساس اطلاعات توصیفی پژوهش حدود ۵۵ درصد پاسخگویان مرد و ۴۵ درصد زن می‌باشد. ۵۸/۶ درصد پاسخگویان، متأهل و ۳۹/۲ درصد مجرد و بقیه همسر فوت شده و مطلقه می‌باشند. ۷۸/۸ درصد ساکن نقاط شهری و ۲۰/۱ درصد روستایی و ۱/۲ درصد عشایری هستند. ۳۹/۲ درصد ۱۸-۲۹ و ۳۴/۴ درصد در گروه سنی ۳۰-۳۹ سال سن دارند در مجموع حدود ۷۴ درصد در گروه‌های سنی ۱۸ تا ۴۰ سال قرار داشتند. ۳۷/۱ درصد دارای تحصیلات کارشناسی، ۳۰/۹ درصد دیپلم و زیر دیپلم و ۱۵/۱ درصد کارشناسی ارشد و بقیه دکتری و سایر بوده است. ۵۸/۶ درصد شاغل و ۴۱/۴ درصد بیکار بوده است. البته شاغلین شامل شاغل در دستگاههای دولتی و خصوصی و سایر بوده است. و صرفا مشاغل دولتی مدنظر نبوده است. ۴۶/۲ درصد دارای شغل آزاد و ۲۹/۴ درصد دارای شغل دولتی هستند و بقیه بازنشسته و سایر. ۶۴/۴ درصد خود را جزو طبقه متوسط، ۳۱/۸ طبقه پایین و ۳/۸ درصد پاسخگویان خود را جزو طبقه بالا می‌دانند.

جدول ۱- توزیع نسبی پاسخگویان برحسب نحوه پاسخ به گویه‌های ارزشهای اخلاقی در جامعه

ردیف	گویه ها	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	اصلا	میانگین	انحراف از میانگین
۱	تلاش و جدیت	۹/۶	۲۸/۱	۳۶/۸	۱۵/۸	۶/۲	۳/۴	۴	۱/۱۷
۲	گذشت و ایثار	۶/۲	۱۱/۲	۳۴/۶	۲۷/۹	۱۲/۶	۷/۵	۳/۴	۱/۲۴
۳	امانت داری	۴/۷	۱۱/۴	۳۶/۹	۲۷/۸	۱۲/۷	۶/۴	۳/۴۸	۱/۱۸
۴	راز داری	۴/۷	۷/۷	۲۹/۲	۳۰/۴	۱۷	۱۰/۹	۳/۱۹	۱/۲۶
۵	انصاف	۴/۱	۸/۲	۲۶/۳	۳۰/۷	۱۸/۶	۱۲/۱	۳/۱	۱/۳
۶	خیرخواهی	۴/۹	۸/۸	۳۵/۵	۲۶/۵	۱۵/۵	۸/۸	۳/۳	۱/۲۴
۷	صداقت و راستگویی	۴/۶	۷	۲۹/۶	۳۰/۷	۱۵/۸	۱۲/۳	۳/۱	۱/۳
۸	پایندی به قول و قرار	۳/۴	۸/۲	۳۵/۸	۲۹/۹	۱۴/۹	۷/۸	۳/۱	۱/۲
۹	احترام به والدین	۱۰/۸	۳۲/۲	۳۸/۹	۱۶/۳	۸/۳	۲/۵	۴	۱/۱۷

نتایج جدول ۱- در مورد پنداشت پاسخگویان از میزان ارزشهای اخلاقی مثبت و منفی در جامعه است. همانطور که ملاحظه می‌شود، پاسخگویان وجود ارزشهای اخلاقی مثبت در میان بختیاری را بیشتر در حد متوسط و کمتر از آن می‌دانند، بیشترین فراوانی مربوط است به وجود تلاش و جدیت (۳۷/۷ درصد در حد بسیار زیاد و زیاد) و احترام به والدین (۳۴ درصد) و کمترین درصد مربوط است به وجود صداقت و راستگویی در جامعه (۱۱/۶ درصد در حد بسیار زیاد و زیاد) و پایندی به قول و قرار (۱۱/۶ درصد بسیار زیاد زیاد).

جدول ۲- تا چه حد موافق یا مخالفید؟

کاملاً موافقم	تقریباً موافقم	بی تفاوت	مخالقم	کاملاً مخالفم	سوالات	دلزدگی بلازه
۱۶	۴۳/۵	۱۷	۱۴/۸	۸/۶	۱ مردم دیگر نمی‌تواند برای هر اتفاق دل بسوزند	
۲۲	۴۵/۲	۱۳/۲	۱۶/۳	۳/۳	۲ مردم نسبت به همدیگر بی تفاوت شده‌اند	
۱۴/۴	۲۳/۲	۲۳/۴	۲۶/۶	۱۲/۴	۳ اگر به دیگران فکر کنی از زندگی خودت عقب میفتی	
۱۴/۸	۲۰/۸	۲۱/۵	۳۰/۱	۱۲/۷	۴ مشکلات هر کسی به خودش مربوطه	
۱۰	۱۶/۷	۲۴/۶	۳۴/۷	۱۳/۹	۵ کمک کردن به دیگران کار دولته	
۷/۴	۱۷/۵	۲۵/۱	۳۸/۸	۱۱/۲	۶ مردم تصادف یا اتفاقی را می‌بینند و سریع میگذرند	
۷/۷	۱۸/۹	۱۹/۱	۳۲/۸	۲۱/۵	۷ کرونا هم یک اتفاقیه که میگذره و زیاد نگران آن نیستند	
۱۹/۱	۴۰/۹	۲۳/۴	۱۲/۴	۴/۱	۸ معمولاً آدم‌ها بیشتر به تنهایی علاقمند شده‌اند	

بی تفاوت نبودن نسبت به همدیگر در فرهنگ ایرانی و در جامعه اسلامی و در احادیث و سفارشات دینی نیز به عنوان یک محور و ارزش مورد توجه و قرار گرفته است. بر اساس جدول فوق و بر اساس نظریه زیمل، شاخص بی تفاوتی (بلازه) در ۸ گویه سنجیده شده است. همانطور که ملاحظه می‌شود، ۴۳ درصد پاسخگویان موافقت می‌کنند که مردم نمی‌توانند برای هر اتفاقی دل بسوزانند. ۴۵/۲ درصد موافقت می‌کنند که مردم نسبت به هم بی تفاوت شده‌اند، ۲۶/۶ درصد مخالف این هستند که اگر به دیگران فکر کنی از زندگی خودت عقب میفتی. ۳۰/۱ درصد مخالف این هستند که مشکلات هر کسی به خودش مربوطه. ۳۴/۷ درصد مخالف این هستند که مشکلات را باید دولت حل کند. ۳۶/۸ درصد مخالف این هستند که مردم نسبت به مشکلات سریع میگذرند. ۳۲/۸ درصد مخالف این بوده‌اند که مردم نسبت به کرونا بی تفاوتند. و تنها ۷/۷ درصد کاملاً موافق بوده‌اند که مردم نسبت به کرونا، بی تفاوتند. به عبارتی، می‌توان گفت پاسخگویان در مقابل کرونا بی تفاوت نبوده‌اند و نهایت اینکه ۴۰/۹ درصد کاملاً موافقت

که مردم به تنهایی علاقمند شده‌اند. تحلیل مجموعه گویه‌ها نشان می‌دهد که گرچه گفته شده که افراد به تنهایی و هسته‌ای شدن روابط، متمایل شده‌اند و حتی در روزگار مدرن، فردیت و تنهایی رو به فزونی نهاده است ولی در قوم بختیاری هنوز درون مایه‌های اجتماعی برای همبستگی در حد بالاست، و چندان نسبت به هم بی‌تفاوت نیستند. به عبارتی میزان بلازه یا بیتفاوتی در حد بالا نیست. باید این نکته را در نظر داشت که بخشی از بی‌تفاوتی در جامعه مورد مطالعه، ناشی از فقر است و فقر باعث شده که مردم در تعاملات اجتماعی، جانب احتیاط را رعایت کنند. به تعبیر یکی از شهروندان، دیگر نمی‌توان میهمان را به نان و پنیر یا غذای ساده دعوت کرد. این گفته نشان می‌دهد که مردم به لحاظ ذهنی و سستی، آماده تعامل هستند ولی مجموعه علل (فقر، تغییر ارزش‌ها و چشم و هم چشمی‌ها و....) باعث کاهش آن شده است.

جدول ۶- گویه‌های مربوط به حضور و رفتن به مسجد و اماکن مذهبی

ردیف	سوالات	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
ارزش‌ها	۱ رفتن به مسجد	۴.۳۰	۹.۳۰	۵.۲۷	۷.۵	۶.۵
	۲ حضور در اماکن مذهبی دیگر	۴.۳۶	۹.۳۰	۸.۱۹	۴.۵	۵.۷
	۳ باور به خدا	۷۷	۱۳	۵.۵	۳	۵.۱
	۴ آشنایی نسبت به مذاهب دیگر	۸	۷.۱۴	۱.۶۰	۸.۱۷	۵.۶
۵	مسجد محلی برای عبادت و تزکیه است	۱.۷۰	۷.۱۵	۶.۳	۲	۸

همانطور که در جدول فوق ملاحظه می‌شود، ۴۳٪ درصد پاسخگویان در حد بسیار زیاد و ۹۳٪ درصد در حد زیاد به مسجد رفت و آمد دارند. البته بخشی از این رفتن به مسجد به منظورهای دیگر غیر از عبادت، مانند: برپایی برخی مراسمات مذهبی و اجتماعی که در مسجد برگزار می‌شود نیز می‌باشد. ۴۳۶٪ درصد در حد بسیار زیاد در اماکن مذهبی دیگر مانند امام زاده‌ها و بقاع متبرکه و مانند آن حضور پیدا کرده‌اند.

کمترین درصد مربوط به بعد این مولفه، مربوط است به آشنایی به مذاهب دیگر که زیر یک درصد یعنی ۰.۸ درصد می باشد. بیش از ۸۵ درصد پاسخگویان معتقدند مسجد محلی برای عبادت و تزکیه است. به عبارتی نگرش و ذهنیت مثبتی نسبت به مسجد دارند.

تحلیل استنباطی یافته‌ها

جدول ۱- برآورد آزمون تی تک‌نمونه‌ای جهت بررسی میانگین متغیر نگرش نسبت به مسجد

آمار استنباطی			آمار توصیفی		متغیر
Test Value: 3			انحراف معیار	میانگین	
Sig	Df	آماره t			
۰/۰۰۱	۶۱۱	۳/۱۷	۰/۷۶	۳/۶۲	نگرش نسبت به مسجد و اماکن مذهبی

برحسب مقادیر جدول بالا میانگین متغیر نگرش نسبت به مسجد در نمونه آماری پژوهش بالاتر از حد متوسط (۳) برآورد شده است. این مقدار به لحاظ آماری معنادار است ($\text{Sig} < ۰/۰۵$). بنابراین، میزان نگرش نسبت به مسجد و اماکن مذهبی مثبت و بالاتر از میانگین است. به عبارتی جامعه مورد مطالعه، نسبت به مسجد نگرش مثبت دارند.

جدول ۲- برآورد آزمون تی جهت مقایسه نگرش نسبت به اماکن مذهبی در بین افراد ساکن شهر و روستا

سطح معناداری	درجه آزادی	آماره t	همگنی واریانس		انحراف معیار	میانگین	محل سکونت	متغیر
			Sig	آماره لوین				
۰/۶۴۴	۶۱۱	۰/۴۶	۰/۹۸۸	۰	۰/۷۶	۳/۱۴	شهر	نگرش نسبت به اماکن مذهبی
					۰/۷۷	۳/۰۹	روستا	

بر حسب مقادیر مربوط به برآورد آزمون تی مستقل در جدول بالا بین افراد ساکن در شهر و روستا به لحاظ میانگین متغیر نگرش نسبت به اماکن مذهبی تفاوت معناداری وجود ندارد ($\text{Sig} > 0/05$). بنابراین تفاوت بین نگرش افراد ساکن در شهر و روستا، تأیید نمی‌شود. مقدار تفاوت اندک بین افراد ساکن در شهر و روستا به لحاظ میانگین نگرش، در نمونه آماری پژوهش ناشی از تصادف یا خطای نمونه‌گیری برآورد می‌شود و با اطمینان ۹۵ درصد قابلیت تعمیم به جامعه آماری پژوهش را ندارد. این مورد شاید بدان معنی است که تفاوت چندانی بین شهری بودن، روستایی بودن به لحاظ محل زندگی شهر یا روستا وجود ندارد. نگاه کلی به قوم بختیار نیز نشان می‌دهد جامعه مورد مطالعه، جامعه‌ای کوچک با سختاری قومی و قبیله‌ای و کوچک و نسبتاً پایبند به سنت هاست. (گماینشافت به تعبیر تونیس)

جدول ۳- برآورد آزمون تعقیبی شفه جهت مقایسه میانگین متغیر نگرش

متغیر	سن	تفاوت میانگین	سطح معناداری
نگرش نسبت به مسجد و اماکن مذهبی	۱۸ تا ۲۹ سال	۳۰ تا ۳۹ سال	۰/۴۳۱
		۴۰ تا ۴۹ سال	۰/۰۰۱
		۵۰ سال به بالا	۰/۰۰۱
	۳۰ تا ۳۹ سال	۴۰ تا ۴۹ سال	۰/۰۰۳
		۵۰ سال به بالا	۰/۰۰۱
		۵۰ سال به بالا	۰/۰۲۴

مقادیر مربوط به برآورد آزمون تعقیبی شفه در جدول بالا بیانگر این است بین گروه سنی ۱۸ تا ۲۹ سال با گروه‌های سنی ۴۰ تا ۴۹ سال و ۵۰ سال به بالا، همچنین بین گروه سنی ۳۰ تا ۳۹ سال با گروه‌های سنی ۴۰ تا ۴۹ سال و ۵۰ سال به بالا و گروه سنی ۴۰ تا ۴۹ سال با گروه سنی ۵۰ سال به بالا به لحاظ میانگین نگرش، تفاوت معناداری وجود دارد ($\text{Sig} \leq 0/05$). بنابراین تفاوت نگرش به اماکن مذهبی و مسجد

بین گروه‌های سنی، تأیید می‌شود. به عبارت دیگر میزان نگرش مثبت، در بین گروه‌های سنی ۴۰ تا ۴۹ سال و ۵۰ سال به بالا به طور معناداری بالاتر از گروه‌های سنی ۱۸ تا ۲۹ سال و ۳۰ تا ۳۹ سال است و همچنین میزان این در گروه سنی ۵۰ سال به بالا به طور معناداری بالاتر از گروه سنی ۴۰ تا ۴۹ برآورد شده است. به عبارتی هرچه سن بیشتر شده نگرش نسبت به این اماکن مثبت‌تر شده است.

جدول شماره ۴- آزمون ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه نگرش نسبت به مسجد و رفتن با آنجا

آمار استنباطی			متغیر
همبستگی پیرسون			
Sig	Df	مقدار	
۰/۰۰۰	۶۱۱	۰۵۸۶	نگرش به اماکن مذهبی و گرایش به مسجد

. نتایج تحلیل نشان می‌دهد که بین نگرش نسبت به مسجد و رفتن به مسجد و اماکن مذهبی همبستگی مثبتی وجود دارد. مقدار همبستگی برابر ۰۵۸۶ بوده و $\text{sig}=000$. جهت رابطه مثبت بوده و این بدان معنی است که هرچه نگرش نسبت به اماکن مذهبی مثبت‌تر باشد گرایش و رفتن به مسجد بیشتر می‌شود.

جدول شماره ۵- آزمون رابطه بین نگرش نسبت به مسجد و ارزش‌ها

آمار استنباطی			متغیر
همبستگی پیرسون			
Sig	Df	مقدار	
۰/۰۰۰	۶۱۱	۰۵۱۲	نگرش و ارزش‌ها

همانگونه که در جدول بالا ملاحظه می‌شود رابطه بین نگرش نسبت به مسجد و اماکن مذهبی و ارزش‌ها آزمون شده است. مقدار ضریب همبستگی برابر ۰/۴۱۱. و سطح معنی داری برابر ۰/۰۰۰. که بدان معنی است که همبستگی بین نگرش نسبت به مسجد و اماکن مذهبی و ارزش‌ها تایید می‌شود. مقدار ضریب همبستگی مثبت می‌باشد و این بدان معنی است که هرچه نگرش نسبت به مسجد و اماکن مذهبی، مثبت‌تر باشد، پابندی و حفظ ارزش‌ها بیشتر می‌شود. این نکته بدان معنی است که نگرش مثبت نسبت به مسجد و اماکن مذهبی بر ارزش‌ها (حفظی تداوم آنها) موثر است.

جدول ۶- آزمون رابطه بین رفتن به مساجد و بی تفاوتی اجتماعی

آمار استنباطی			رفتن به مساجد و اماکن مذهبی و بلازه یا بی تفاوتی
همبستگی پیرسون			
Sig	Df	مقدار	
۰/۰۰۰	۶۱۱	۰۰۵۳۲ -	

یکی از ارزش‌ها و بسترهای اجتماعی مورد توجه که در جامعه بسیار مورد توجه است و هم به عنوان یک ارزش مطرح است، عدم بی تفاوتی افراد نسبت به ممنوع خویش است که در ادبیات جامعه شناختی، زیمل - جامعه شناس آلمانی - از آن تحت عنوان بلازه یاد می‌کند و در ادبیات دینی و احادیث مسلمانان هم بسیار مورد سفارش قرار گرفته است.. در جدول فوق رابطه بین رفتن به مسجد و اماکن مذهبی با بی تفاوتی افراد نسبت به همدیگر بررسی شده است. همانگونه که ملاحظه می‌شود مقدار ضریب همبستگی بین این دو متغیر منفی و بالاتر از ۰/۵۰ - است. و این بدان معنی است که هرچه رفت و آمد به مسجد و اماکن مذهبی بیشتر شود، بلازه یا بی تفاوتی افراد نسبت به همدیگر کمتر می‌شود.

نتیجه‌گیری

باورها و اعتقادات مذهبی، حضور در اماکن مذهبی (عبادت، مراسم و آیین‌ها، گردشگری مذهبی و...) یکی از منابع پاک برای تولید ارزش‌های اخلاقی در جامعه است. بختیاری‌ها، به لحاظ مذهبی، عموماً شیعه ۱۲ امامی هستند. شواهد نشان می‌دهد آنان در امور زندگی همواره به امدادهای امامان شیعه باور و متمسک می‌شوند. این مقاله در صدد بررسی تاثیر حضور مردم در مسجد و ارتباط با ارزش‌های اخلاقی در نمونه‌ای در میان قوم بختیاری (فارسان و کوه‌رنگ) پرداخته است. مسجد، یک مکان مقدس و دارای اهمیت از جنبه‌های مختلف کارکردی (اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی)، ساختاری، اعتقادی و حتی معرفت‌شناختی است که به اندازه اهمیت از جنبه‌های فوق در پارادایم‌های علمی (خاصه در نزد صاحب‌نظران مسلمان) مورد توجه قرار نگرفته و در خصوص نقش‌ها و کارکردهای مختلف آن بخصوص از جنبه‌های دینی و اجتماعی چندان نظریه پردازی نشده است. شاید بتوان گفت بعد مقدس و بسیار مهم دینی که در تبیین‌های جامعه‌شناختی سرزمین‌های مسلمانان کمتر مورد توجه قرار گرفته است، مسجد باشد. در نزد ابن خلدون بعنوان یکی از بزرگترین متفکران مسلمان، مساجد سه‌گانه مکه و مدینه و بیت‌المقدس مورد توجه بوده و آنهم از زاویه مقدس بودن و مکانی برای عبادت. حتی در نظر ماکس وبر جامعه‌شناس برجسته آلمانی که به ساختار شهرهای اسلامی نیز نظر داشته است، از مسجد سخنی بمیان نیامده است. درمدل ابراهیم - یکی از مدل‌های طراحی شهری مسلمانان - است که مسجد و قرآن مورد تاکید در سکونتگاه‌های مسلمانان قرار گرفته است. در این مدل، مسجد نمادی برای طراحی شهری نشانگر وجود شهری اسلامی است. همچنین در مبانی نظری ملاحظه گردید که بطور کلی ذهنیت افراد و ارزش‌های آنها در ارتباط بوده و در نتیجه گرایش یا عدم گرایش نسبت به موضع یا موضوعی بر اساس آن ذهنیت، مشخص می‌شود. ذهنیت مثبت در ارتباط با ارزش‌ها، گرایش بیشتر به کنش یا رفتار را موجب می‌شود.

آمار توصیفی مربوط به ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی در جامعه نشان داد که بر اساس نگرش جامعه مورد مطالعه، گرچه هنوز ارزش‌های مثبت در حد مطلوبی است ولی در حال کاهش‌اند. نگرش نسبت به مسجد و رفتن به مسجد و اماکن مذهبی، مثبت و در حد بالاتر از میانگین است. مقدار بین‌تفاوتی نیز در حد بالا و نگران‌کننده نبود ولی مقدار آن در حال افزایش است. به عبارت دیگر بر اساس نگرش جامعه مورد مطالعه، در آینده ارزش‌های مثبت کاهش و ارزش‌های منفی رشد بیشتری خواهند یافت و این کاهش شامل مسجدها و اماکن مذهبی نیز می‌شود. مگر اینکه اتفاق دیگری رخ بدهد و مسیر تغییر ارزش‌ها عوض شود. یافته‌های استنباطی نیز میزان نگرش (بالاتر از میانگین) در بختیاری نسبت به مسجد و اماکن مذهبی را تایید نمود. همچنین رابطه بین نگرش نسبت به مسجد و رفتن به مسجد و همچنین رابطه بین نگرش نسبت به مسجد و اماکن مذهبی و ارزش‌ها و بی‌تفاوتی اجتماعی تایید شد. رابطه بین نگرش نسبت به مسجد و اماکن مذهبی، مثبت ولی نسبت به بی‌تفاوتی منفی بوده و این بدان معنی بوده که هرچه رفت و آمد و نگرش نسبت به مسجد و اماکن مذهبی بیشتر و مثبت‌تر شود، ارزش‌ها، تقویت و بی‌تفاوتی نسبت به همدیگر کمتر می‌شود. بنابراین هرچه حضور در مسجد و اماکن مذهبی بیشتر شود حفظ و تداوم ارزش‌های اخلاقی نیز بیشتر می‌شود.

منابع

- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۷۵). مقدمه ابن خلدون. ترجمه: محمد پروین گنابادی، جلد دوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- اشرف، احمد (۱۳۵۳). تاریخ شهرنشینی در ایران - دوره اسلامی. تهران: نامه علوم اجتماعی، ش ۴. ص ۷-۴۹

- بیرو، آلن (۱۳۶۶). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه: باقر ساروخانی، تهران: آگاه.
- ترنر، برایان (۱۳۷۹). ماکس وبر و اسلام، ترجمه سعید وصالی، تهران: نشر مرکز
- تامپسن، کنت (۱۳۸۸). نظریه دورکیم درباره همبستگی اجتماعی. ترجمه: مهناز مسمی پرست، تهران: انتشارات نشر نی. چاپ اول
- حاجیلری، عبدالرضا (۱۳۸۰). کنکاشی در تغییر ارزشها پس از پیروزی انقلاب اسلامی. تهران: پژوهشکده فرهنگ و معارف.
- زیمل، گئورگ (۱۳۷۲). کلان شهر و حیات ذهنی، ترجمه: یوسف علی ابادزی، تهران: نامه علوم اجتماعی. ش ۶
- ربانی، رسول و فریدون وحیدا (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی شهری. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان
- ربانی، رسول (۱۳۷۲) جزوه مردم‌شناسی دانشگاه اصفهان. گروه علوم اجتماعی.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۸). آناتومی جامعه، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۶). توسعه و تضاد، کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسایل اجتماعی ایران. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۰). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه: محسن ثلاثی. تهران: علمی.

- صادقی ده چشمه، ستار (۱۴۰۲). تحلیلی جامعه‌شناختی به شاخص‌های ایلی در قوم بختیاری، پژوهش نامه بختیاری‌شناسی و اقوام ایرانی، دانشگاه شهرکرد. ش. ۲
- کوزر، لوئیز (۱۳۷۳). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی ترجمه: محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی. چاپ پنجم
- کوهن، استفورد (۱۳۶۹). تئوری‌های انقلاب. ترجمه: علیرضا طیب، تهران: قومس.
- محسنیان راد، مهدی (۱۳۷۵). انقلاب مطبوعات و ارزش‌ها. تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- محسنی، منوچهر (۱۳۷۹). بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی و فرخنگی در تهران. تهران: نشر زهد.

Konig rene (1969) “ anomi” in Wilhelm bernsdorf ,worterbuch der soziologie, Frankfurt: fischer.

barfield, thamas,(1996). The dictionary of anthropology. malden: Blackwell.

Chavallier,e(1993) l'enfant et la ville. paris.

Pellegrino-p. (1983) espace et culture in. ed George saint saphonino Suisse.